

تأثیر جنگ‌های حکومت صفویه بر تکوین هویت شیعی ایران

• علی شبانی



چکیده

حکومت صفویه نقطه عطفی بنیادین در تکوین هویت شیعی ایران محسوب می‌شود. این نوشتار نشان می‌دهد که جنگ‌های داخلی و خارجی این دوره، نقشی تعیین‌کننده و دوچندان در این فرآیند ایفا کردند. شاه اسماعیل با پیروزی بر رقبای داخلی همچون تیموریان و آق‌قویونلوها، هرج و مرج را در داخل ایران پایان داد و با اعلام تشیع دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی کشور ایران، پایه‌های امپراتوری ایدئولوژیک را بنا نهاد. این اقدام به منزله اعلام غیرمستقیم جنگ با دولت‌های سنی همسایه بود. رویارویی با ازبک‌های متعصب، به رهبری شیبک‌خان، و به ویژه جنگ چالدران با عثمانی، هویت شیعی را در تقابل با سنی‌گرایی عمیقاً تثبیت کرد. جالب آنکه در این جنگ، حتی برخی سربازان عثمانی با صدور نامه‌ای به سلطان سلیم، جنگ با مسلمانان شیعه را محکوم کردند. بدین ترتیب، جنگ‌های صفوی همچون کوره‌ای عمل کردند که عناصر پراکنده هویت ایرانی را در بوتۀ تشیع ذوب و قالب‌گیری مجدد کرد و میراث این آمیختگی تا به امروز در فرهنگ و سیاست ایران جاری است.

واژگان کلیدی :

صفویه، تشیع، شاه اسماعیل صفوی، جنگ چالدران، ایران، تاریخ ایران اسلامی.

«و آن گاه که ایمان بر دل و جان‌ها رخنه افکند، تیر و تازبانه‌ها چون آتش بر ابراهیم سرد شوند.»

جنگ‌های دوران صفویه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت و تکوین هویت شیعی ایران ایفا کرد. جنگ‌های داخلی و خارجی این دوره، به ویژه رویارویی با قدرت‌های سنی همجوار، عاملی کلیدی در تقویت و تعمیق این هویت بود. شاه اسماعیل صفوی با غلبه بر رقبای داخلی، مانند تیموریان و آق قویونلوها، و اعلام تشیع دوازده‌امامی به عنوان مذهب رسمی، پایه‌های حکومت مذهبی جدیدی را بنا نهاد. این اقدام عملاً به منزله اعلام جنگ با دولت‌های سنی همجوار، از جمله ازبک‌ها به رهبری شیبک‌خان و امپراتوری عثمانی به رهبری سلطان سلیم بود. شکست چالدران نیز نتوانست روند تکوین هویت شیعی ایران را متوقف کند و بالعکس، به عاملی برای تداوم و تثبیت این هویت در تقابل با اهل سنت تبدیل شد.

شکست آخرین پادشاه تیموری؛ مَه‌ری بر آغاز حکومتی ایرانی-شیعی

ایران در آخرین ادوار حکومت تیموری دچار هرج و مرج‌های بسیاری گشته بود که این خود زمینه‌ای برای ظهور امپراتوری صفوی شد. پس از تجزیه امپراتوری تیموریان، رقابت بین دو حکومت‌نشین ترکمان (آق قویونلو و قرا قویونلو) بر سر سلطنت بالا گرفت. از طرفی دیگر، توسعه روزافزون نفوذ ازبک‌ها در ماوراءالنهر دلیل دیگری بر این هرج و مرج بود. شاه‌رخ، آخرین فرزند تیمور بود که تا اواخر عمر خود سعی داشت تا کشور را از انحطاط‌های سیاسی و اجتماعی نجات دهد، اما پس از وفات او، ایران گرفتار جنگ‌های داخلی بسیاری شد. (مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۹-۱۰) مشکلات ایران در این برهه از زمان تنها به این موارد محدود نمی‌شد، بلکه این سرزمین، از طرف آسیای صغیر نیز توسط حکومت متجاوز عثمانی دچار تزلزل شده بود. (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۷) شاه اسماعیل صفوی، از یک سو آخرین پادشاه تیموری، یعنی محمدزمان میرزا را که تا ۹۲۹ هجری بر بلخ حکومت می‌کرد، از میان برداشت و از سوی دیگر، توانست الوند میرزا را که یکی از سران آق قویونلو بود و در آن زمان در پی جدال با رقیبش یعنی سلطان مراد دچار ضعف شده بود، از بین ببرد. در نتیجه، شاه اسماعیل با این پیروزی‌ها قدرت را به دست گرفت و تشیع دوازده‌امامی را مذهب رسمی مناطق تحت تصرف خویش اعلام نمود. البته این اقدام مَه‌ر پایانی بر جنگ‌های او نبود، بلکه با رسمی شدن تشیع دوازده‌امامی در ایران، نوعی اعلام جنگ دولت صفوی با دولت‌های اهل سنت همسایه،

خصوصاً ازبک و عثمانی شکل گرفت. (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۳۴)

شکست ازبکان به دست پادشاهی که عشق به تشیع را در قلب داشت

در دورانی که شاه اسماعیل صفوی قیام کرد و چندی بعد بر تخت پادشاهی نشست، محمد شاه‌بخت خان شیبانی ملقب به شیبک‌خان که در مذهب تسنن بسیار متعصب و بر خراسان آن دوران مسلط بود، بر ازبک‌ها فرمانروایی می‌کرد. با این حال، شاه اسماعیل با وی دشمنی نداشت اما شیب‌کخان هم-چنان متعصبانه به دنبال جنگ با سپاهیان شیعه شاه اسماعیل بود. (مهدوی، ۱۳۸۵: ۱۵) شیبک‌خان از غلبه تشیع در ایران بسیار ناخرسند بود و بدین جهت نامه‌های توهین‌آمیز و دشنام‌واری برای شاه اسماعیل می‌فرستاد تا او را به آغاز جنگ تحریک کند. (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۳۶)

سرانجام، شیبک‌خان با این روحیه جنگ‌طلبانه، سپاهیان خود را تا منطقه مرو پیش راند و شاه اسماعیل نیز با شنیدن این خبر عازم آن مکان شد. هنگامی که سپاه شاه اسماعیل بدان مکان رسید جنگ در گرفت و شیبک‌خان که به دنبال قشون ایران بود، در قریه‌ای به نام محمودآباد محاصره گشت و به قتل رسید. در نهایت، تمام خراسان، هرات، قندهار و مرو به دست شاه اسماعیل افتاد و مذهب تشیع در آنجا نیز رسمی گشت. (مهدوی، ۱۳۸۵: ۱۶)

شورش سلطان عثمانی بر قلب تشیع

در ابتدای قرن دهم هجری، حدود هشتاد درصد از جمعیت آسیای صغیر به مذهب تشیع درآمده بودند. (پارسادوست، ۱۳۸۷: ۳۶۳) این اوضاع، خود دلیلی بر آشفتگی داخلی حکومت عثمانی بود و به همین دلیل، به دنبال سرنگونی حکومت شیعی ایران بودند. در این بین، سلطان سلیم عثمانی (سلطنت: ۹۲۶-۹۱۸ ق) سربازانش را علیه حکومت شیعی ایران بسیج کرد. (جعفریان، ۱۳۷۹: ۳۸) یکی از مواردی که هم باعث غضب بیشتر سلطان سلیم شد و هم خون شیعیان را به جوش آورد، جنبش شیعیان آناتولی و در پی آن، قتلعام چهل هزار تن از شیعیان آنها بود که طی یک جنبش مذهبی-سیاسی توسط حکومت سلطان سلیم از بین رفتند. این واقعه خود دلیلی دیگر بر تنش‌های بیش از پیش ایران شیعی و عثمانی سنی بود. (زرینکوب، ۱۳۷۵: ۳۸) سلطان سلیم در دومین سال حکومت خود، علمای اهل سنت و سران نظامی را در شهر ادرنه جمع کرد و از تمایل خود به جنگ با ایران سخن گفت؛ علمای سنی نیز در پی این نشست، فتوای جهاد بر ضد تشیع را صادر کردند. در ادامه، سلطان سلیم طی چهار نامه به شاه اسماعیل صفوی از او خواست تا دست از مذهب تشیع برداشته و به سلک اهل سنت درآید. (اشراقی، ۱۳۹۵: ۴۱) اسماعیل صفوی به هیچکدام از اقدامات سلطان سلیم اهمیتی نمی‌داد و حتی برای مراسم تاجگذاری او، تحفه و تبریکی هم به دربار عثمانی نفرستاد و بدین گونه، دست به تحقیر سلطان سلیم زد. (مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۱۶۷) در نهایت، در سال ۹۲۰ هجری قمری، این جنگ شکل گرفت و نتیجه ای مهیب برای ایران و شاه اسماعیل صفوی در بر داشت. بعد از این، سلطان سلیم تبریز را به تصرف خود درآورده و به دنبال این بود تا دیگر شهرهای ایران را نیز تصرف کند که با مخالفت تنی چند از سربازان سپاه خویش، مواجه شد. آنها نامه‌ای به سلطان سلیم نوشتند که شرح آن بدین قرار است:



«قرب چهل و پنج هزار نفس در مملکت ما و قریب بیست هزار نفس در خاک ایران به تهمت رفض و الحاد، طعمه غدر و بیداد گردید. علمای با تعصب ما، به ما از معنای رفض و الحاد اطلاع کامل نداده، اعلیٰ حضرت اقدس همایونی را اغفال کردند و باعث ریخته شدن خون آن همه مکرمه شده، ما را به قتل مسلمین وا داشتند. آیا در مملکتی که مانند اهل سنت، در اوقات خمس اذان محمدی گویند و وضو گرفته، نماز را به جماعت ادا کنند، و روزه گیرند و زکات دهند، و قرآن خوانند و حج کنند، و کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله را همیشه از زبان جاری سازند؛ آنها را به چه جهت شرعی میتوان کشت؟ اگر دست باز نماز خواندن و در اذان و اقامه «اشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیر العمل» گفتن خلاف شرع است؛ چرا شافعی‌ها گاه دست باز، گاه دست بسته نماز می‌گزارند؟ و «اشهد ان علیا ولی الله» گفتن، اگر چه بدعت است، اما مثل مناره به مسجد ساختن، از بدعت حسنه است و همه مقرر و معترف هستیم که علی ولی خداست و مؤذنین ما هم در اذان‌های صبح «حی علی خیر العمل» را می‌گویند. راستی سخن این است، ما با ایرانیان به اسم دین جنگ نخواهیم کرد. هر گاه فرمایند که جنگ ما بر سر ملک است، این مملکت ویران، به آن خونها نمی‌آرزد که از برای ضبطش ریخته خواهد شد.» (جعفریان، ۱۳۷۹: ۴۰)

نتیجه گیری

حکومت صفویه را می توان نقطه عطفی بنیادین در تاریخ ایران دانست که طی آن، مفهوم «هویت ایرانی» با «مذهب تشیع امامی» در هم آمیخت و موجودیتی جدید و متمایز را پدید آورد. این فرآیند تکوین هویت، که در بستر جنگ های پر شمار داخلی و خارجی شکل گرفت، نه تصادفی، که نتیجه ای مستقیم از سیاست های آگاهانه حکومت صفوی و واکنش به محیط پر خصومت منطقه ای بود. شاه اسماعیل صفوی با پایان دادن به هرج و مرج ناشی از افول تیموریان و حذف رقبای داخلی مانند آق قویونلوها، تنها به دنبال تحکیم قدرت سیاسی نبود؛ او با اعلام تشیع دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی، در واقع سنگ بنای یک «امپراتوری ایدئولوژیک» را نهاد. این اقدام، یک اعلام نامه داخلی بود برای وحدت بخشیدن به قلمروی پراکنده و در عین حال، یک بیانیه خارجی بود که به صورت غیر مستقیم جنگ با جهان سنی را رقم زد. بنابراین، از همان آغاز، هویت شیعی صفوی در تقابل و تمایز با اهل سنت تعریف شد. جنگ های خارجی، به ویژه روبرایی با ازبک های متعصب سنی به رهبری شیبک خان و امپراتوری عثمانی به رهبری سلطان سلیم، این فرآیند هویت سازی را شتابی دوچندان بخشید. این جنگ ها تنها نبرد بر سر زمین یا قدرت نبود، بلکه نبردی عمیقاً مذهبی و ایدئولوژیک بود. فتوای جهاد علمای سنی عثمانی علیه ایران و قتل عام شیعیان آناتولی از یک سو، و روحیه جهادی صفویان و پایداری شاه اسماعیل در برابر فشارها از سوی دیگر، به این تقابل ماهیتی مقدس بخشید. حتی شکست سنگین ایران در نبرد چالدران، که می توانست به پایان حکومت نوین صفوی بینجامد، نه تنها این هویت نوپا را از بین نبرد، بلکه آن را تقویت کرد. این شکست برای ایرانیان، با مقاومت غیرمنتظره بخشی از سپاه عثمانی که خود را در جنگ با مسلمانان می دیدند همراه بود. نامه معترضان سربازان عثمانی به سلطان سلیم، گواهی است تاریخی بر این حقیقت که این جنگ ها در نگاه بسیاری، جنگی میان دو خوانش مختلف از اسلام بود، نه نبردی میان اسلام و کفر. این اعتراض، نشان دهنده عمق نفوذ و پذیرش فرهنگی و مذهبی ایران شیعی حتی در میان سربازان دشمن بود.

در نتیجه، می توان ادعا کرد که جنگ های صفویه همچون کوره ای عمل کرد که در آن، هویت پراکنده و چندپاره ایران پس از اسلام، ذوب شده و حول محور تشیع و تقابل با سنی گرایی عثمانی و ازبکی، دوباره قالب گیری شد. این هویت جدید که تلفیقی از ملیت ایرانی و مذهب تشیع بود، توانست برای قرن ها پایه و اساس حاکمیت سیاسی، وحدت ملی و تمایز فرهنگی ایران در صحنه منطقه ای و جهانی باشد. میراث این دوره، فراتر از مرزهای جغرافیایی، به شکل دهی ذهنیت، فرهنگ و سیاست ایران، تا به امروز ادامه یافته است.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جنگ های صفویه همچون کوره ای
عمل کرد که در آن، هویت پراکنده
و چندپاره ایران پس از اسلام،
ذوب شده و حول محور تشیع و
تقابل با سنی گرایی عثمانی و
ازبکی، دوباره قالب گیری شد.

منابع

- ۱- اشراقی، ایرج (۱۳۹۵)، سرکوب و کشتار دگراندیشان مذهبی در ایران، تهران: انتشارات پیام.
- ۲- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۷)، شاه اسماعیل اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۳- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، روزگاران، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- مجیر شببانی، نظام‌الدین (۱۳۴۶)، تشکیل شاهنشاهی صفویه، احیای وحدت ملی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.



صحنه جنگ مرو میان سپاه ایران به فرماندهی شاه اسماعیل یکم (سمت راست) و سپاه ازبک به فرماندهی شیبک خان